

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

توقف حرمت معامله آلات قمار بر «صدق قمار»

ملاحظه فرمودید که به مقتضای صحیحہ معمر بن خالد به این نتیجہ رسیدیم کہ معاملہ روی ہر چیزی کہ با آن قمار شود، حرمت تکلیفی و وضعی دارد، بر خلاف آنچه کہ در بسیاری از کلمات است کہ فرمودہ اند «مقصود آلات معدّہ برای قمار است». نکته ای کہ وجود دارد و باید بحث کنیم این است کہ آیا این حرمت تکلیفیہ یا وضعیہ، دائر مدار صدق قمار است یا نہ؟ نکته مهمی کہ باید بہ آن توجہ کرد این است کہ از یک طرف ما وقتی بہ فتاوا مراجعہ می کنیم، فتاوا بر این است کہ بیع آلات قمار حرام است بہ حرمت تکلیفیہ و وضعیہ. از طرف دیگر در مفهوم قمار مراحنہ و عوض اخذ شدہ است. حالا اگر کسی آلت قمار را بخرد نہ برای لہو و قمار، بلکہ بعنوان اینکہ یکی از وسایل داشتہ باشد – ولو اینکہ مرحوم شیخ (رہ) فرمودند نظر ما همان است کہ در ہیاکل عبادت گفتیم، کہ در آلت قمار بالنسبۃ الی المادۃ، معاملہ مانعی ندارد – اما بحث این است کہ اگر مبیع، مجموع باشد، اما این وسیلہ قمار را کہ می خرد، بعنوان لعب و برد و باخت و بازی نمی خرد، مثلاً بعنوان تزئین منزلش می خواہد، اینجا چہ باید گفت؟

ما وقتی بہ فتاوا مراجعہ می کنیم، می فرمایند بیع و شراء آلتی کہ با آن قمار می شود حرام است. حتی از نہایۃ مرحوم شیخ (رہ) این عبارت را خواندیم کہ اگر کسی گردو را بقصد قمار بخرد، معاملہ اش بہ حرمت تکلیفی و وضعی حرام است. ما ہم این نتیجہ را گرفتیم و گفتیم ہر چیزی را کہ کسی بخواہد بوسیلہ آن قمار کند معاملہ اش حرام و باطل است. اما سؤال این است کہ اگر چیزی از آلات معدّہ برای قمار است اما کسی کہ می خواہد آن را بخرد، اصلاً بقصد قمار نمی خرد، مجموع را می خرد اما دنبال این نیست کہ بخواہد قمار کند، آیا می توانیم بگوییم وجود و عدم رهن، فقط در مسئلہ لعب مطرح است، یعنی لعب با آلات قمار، اذا كان من دون رهن فليس بقمار و اذا كان مع رهن فهو قمار؟ بعبارة اخرى بگوییم اصلاً در باب آلات قمار، بیع وسیلہ ای کہ با آن قمار می شود حرام است ولو این کہ آن کسی کہ آن را می خرد بہ دنبال این نیست کہ از این وسیلہ بعنوان لعب قماری استفادہ کند، مثل اینکہ از این وسیلہ برای تزئین استفادہ کند.

مرحوم شیخ (رہ) فرمودند تمام ادلہ ہیاکل عبادت، در باب آلات قمار ہم جریان دارد. حالا این سؤال مطرح است کہ اگر کسی آلات قمار را بخرد، اما نہ بقصد این کہ با آن قمار بازی کند، آیا معاملہ با این حرام است؟ در بحث آلات لہو، فقہاء این را مطرح کردہ اند کہ اگر کسی آلات لہو را بقصد تلہی بخرد حرام است، اما اگر کسی آلات لہو را بخرد اما قصد استفادہ لہوی از آن ندارد، معاملہ اش صحیح است.

اما در باب آلات قمار این بحث را نکرده اند، بلکہ می فرمایند معاملہ روی آلات قمار حرام است. تصریح بعضی علماء و ظاہر کلام برخی دیگر این است کہ مقصود از آلات قمار، آلات معدّہ برای قمار است. ما توسعہ دادیم و گفتیم از ادلہ استفادہ می شود

عمومیت دارد؛ چه معدّه و چه غیر معدّه. اما حالا سؤال این است - چه طبق قول ما و چه طبق قول کسانی که فقط معدّه را می‌گویند - آیا معامله روی آلات معدّه، اگر به قصد حرام معامله شود حرام است؟ و اگر بقصد دیگری غیر از قمار باشد بگوییم معامله اش اشکالی ندارد؟ بعبارة اخرى بگوییم در باب آلات قمار، تمام الملاك صدق قمار است، هر جا قمار محقق شود، آلتش هم همین حکم را دارد، و جائیکه قمار نیست معامله اشکالی ندارد.

نظر استاد در بیع آلات قمار

ظاهر عبارات فقهاء این است که بیع آلات معدّه حرام است، چه به قصد قمار باشد و چه نباشد. اما به نظر ما اینطور نیست، بلکه همانطور که در باب هیاکل عبادت، جایی که هیکل عبادت بقصد يك منفعت محله دیگر فروخته شود - البته منفعت مربوط به هیأت باشد نه ماده، بحث ماده جداست و اصلاً بحثی ندارد - چنانکه مرحوم ایروانی(ره) در حاشیه مکاسب و برخی دیگر گفتند؛ اصلاً حرمت هیاکل عبادت جایی است که غیر از منفعت محرمه عبادت، چیزی بر آن مترتب نشود، اما اگر بر این هیأت صلیبی يك منفعت محله مترتب شود و بخواهد بقصد آن منفعت فروخته شود، اشکالی ندارد پس در آلات قمار هم همین حرف را بزنیم.

عجیب این است که فقهاء در باب آلات قمار می‌گویند لعب به شطرنج مطلقاً حرام است، چه رهنی در کار باشد چه نباشد، چه قماری باشد چه نباشد؛ دلیل ایشان مقتضای اطلاق ادله است. اما در آلات تلّهی و لعب، مثل مزار و اوتار و تار و...، به اطلاق تمسك نمی‌کنند و می‌گویند اگر طنبور در منفعت محرمه استعمال شود خرید و فروشش حرام است ولی اگر در منفعت محله استعمال شود خرید و فروشش جایز است. چطور در بحث آلات لهو، آنطور مشی می‌کنند ولی در آلات قمار اینطور مشی کرده‌اند. علی ای حال به نظر ما در هردو باید یکسان مشی کرد، نمی‌شود در این دو بصورت مختلف مشی کرد.

پس نتیجه این شد که در ادله می‌گوید «کل ما قומר به»، که بعد از این که نرد را بیان می‌کند، شطرنج را ذکر می‌کند و می‌گوید «کل ما قומר به». یعنی چه؟ یعنی شطرنج بما هو شطرنج دخالتی ندارد، نرد بما هو نرد دخالتی ندارد، بلکه شطرنج و نرد بعنوان «انه قומר به» حرام است. حالا اگر شطرنجی باشد که روی آن قمار نشود، از دایره این ادله خارج است و بیع و شراء آن صحیح است.

این نکته مهم و مبتلاهی است که ما نمی‌توانیم بگوییم خرید و فروش آلات قمار مطلقاً حرام است، چه معدّه و چه غیر معدّه. بلکه جایی حرام است که بقصد قمار باشد، به دلیل «کل ما قומר به». اینجا اشعار به علیّت دارد که حکم را به همین قمار معلل کرده است. بنابراین اگر در کلام برخی از بزرگان، در معامله و حرمت آلات قمار، «صدق قمار» اعتباری ندارد، این کلامی است که به نظر ما وجه و منشأی ندارد و بر خلاف ادله است.

این نکته هم قابل ذکر است؛ که وقتی از فقهای که فتوا می‌دهند «شطرنج مطلقاً حرام است» سؤال می‌کنیم به چه دلیل؟ می‌گویند به اطلاق روایات تمسك می‌کنیم «بیع الشطرنج حرام، اتخاذه كفر، لعبه شرك...»، می‌گوییم ما نباید به همین یک روایت تمسك کنیم، اگر همین یک روایت بود، می‌گوییم شطرنج بما هو شطرنج موضوعیت دارد، اما وقتی روایت ابی بصیر که ابتدا نرد را مطرح کرده، بعد شطرنج را گفته، در ادامه آن گفته «کل ما قומר به»، یعنی «قمار» ملاک است نه خود شطرنج، یعنی هر چیزی که عنوان قمار را دارد و بقصد قمار باشد.

نقل فرمایش علامه(ره) در مسالک

مرحوم شهید(ره) در مسالک عبارتی دارد که شیخ انصاری(ره) هم آن را بیان کرده‌اند «أنه لو كان لمكسورها قيمة و باعها صحيحة لتكسر و كان المشتري ممن يوثق بديانته ففي جواز بيعها وجهان» اگر ماده آلت قمار بعد از شکستن آن قیمت دارد، و بایع هم در حالی که صحیح است می‌فروشد برای اینکه مشتری بشکند و مشتری هم آدم متدینی است، دو وجه وجود دارد؛ «و قوی فی التذكرة الجواز مع زوال الصفة، و هو حسن و الاكثر أطلقوا المنع» علامه(ره) فرموده به همین صورت مجموعی بفروشد البته در صورتی که صفت زایل شود. سپس شهید(ره) بعد از نقل فتوای علامه در تذکره می‌فرماید این فتوای خوبی است در حالی که اکثر فقهاء، منع را بصورت مطلق گفته‌اند، یعنی معامله روی آن باطل است چه زوال صفت شود و چه زوال صفت نشود.

مراد از «زوال صفت» در کلام علامه(ره)

بحثی واقع شده که مقصود از این «زوال صفت» در عبارت علامه(ره) چیست؟

شیخ انصاری(ره) فرموده اگر مقصود از «زوال صفت»، زوال هیأت باشد، همه فقهاء می‌گویند این جایز است، و دیگر معنا ندارد که بگوییم بین علامه(ره) و اکثر فقهاء اختلاف است. مرحوم شیخ(ره) در کتاب مکاسب، احتمال دیگر را بیان نکرده‌اند.

احتمال دیگر را مرحوم سید(ره) در حاشیه ذکر کرده و فرموده؛ بگوییم مقصود از «زوال صفت»، زوال هیأت آلت قماری نیست، بلکه مقصود، ترك القمار به است. عبارت سید(ره) این است «لعله اراد عدم مقامرة الناس بحيث خرج عن كونه آلة للقمار»، این که علامه(ره) فرموده «الجواز مع زوال الصفة»، یعنی «زوال الصفة نوعاً بین الناس»، ولو این هیأت قماری الان هست ولی مردم با این قمار انجام نمی‌دهند.

احتمال سومی هم ما می‌دهیم و آن این است که مرحوم علامه(ره) که می‌گوید «مع زوال الصفة» یعنی «زوال الهیأة» اما بعداً، یعنی وقتی معامله تمام شد اگر بعداً مشتری هیأت را از بین برد این کشف از این می‌کند که معامله صحیح بوده، اما اگر بعداً مشتری هیأت را از بین نبرد کشف از این می‌کند که معامله صحیح نبوده.

فرمایش محقق خوئی(ره) و نقد آن

مرحوم آقای خوئی(قدس سره) در مصباح الفقاهة این احتمال سوم ما را که نداده‌اند ولی می‌فرمایند احتمال اول و احتمال دوم، هر دو از سیاق کلام علامه(ره) دور است. می‌فرمایند ظاهر عبارت علامه(ره) این است که حرمت فعلی، دایر مدار این است که بگوییم برای مکسور مالیت وجود دارد یا ندارد؟ اگر مالیت باشد حرمت نیست، ولی اگر مالیت نباشد حرمت معامله هست، اما می‌فرمایند این دو توجیه بعید است.

ما هرچه دقت کردیم که چرا این دو توجیه بعید است نفهمیدیم. در کلام علامه(ره) يك «زوال الصفة» وجود دارد و چند احتمال در آن وجود دارد، و هیچیک از این احتمالات، از سیاق کلام علامه بعید نیست. بعد ایشان فرموده‌اند احتمال می‌دهیم در کلام علامه(ره) از جهت تقدیم و تأخیر، اشتباهی شده باشد – که این را مراجعه کنید و ملاحظه بفرمایید –.

مراد از «قمار»

آخرین مطلبی که شیخ(ره) در این بحث دارد این است که، مراد از قمار ؛ مطلق مراهنه به عوض است، «فکل ما اعد لها بحیث لا یقصد منه علی ما فیه من الخصوصیات غیرها» هرچیزی که آماده شود برای قمار، معاوضه بر آن حرام است. اما در جایی که آلت قمار نباشد و معدّ برای قمار هم نباشد، اما مراهنه به عوض باشد؛ می‌فرمایند قمار نیست اما ممکن است از راه دیگر اکل مال به باطل باشد یا از راههای دیگر بگوییم حرام است. مثلاً در عصر حاضر؛ «گلدکوئیست» که اثرات زیان باری را ایجاد کرد، اگر ما «کل ما قومر به فهو میسر» را بگوییم از مصادیق قمار می‌شود، روشن است يك قمار بازی به این شیوه است. اگر بگوییم در قمار، آلت معدّه قمار دخالت دارد، اینجا صدق قمار نمی‌کند اما گرفتن آن پول که از ردیف دهم در حساب ردیف اول می‌آید، از مصادیق اکل مال به باطل است و حرام است.

و صل الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.